

## پلیس و وضعیت همیشه اضطراری



علی ورامینی  
دبیر گروه فرهنگ

رشته علوم سیاسی از آن دست رشته‌های علوم انسانی بود (نمی‌دانم هنوز هم هست یا نه؟) که برای بسیاری از مستخدمین دولت جذابیت زیادی داشت. بیست سال پیش، دوران کارشناسی علوم سیاسی، بسیاری از هم‌دوره‌های هایمان کارمند شهرداری، استانداری، قوه قضائیه و از این دست ادارات بودند که به انگیزه ارتقای سازمانی و مزیت‌هایی که برایشان داشت مشغول تحصیل شده بودند. چند تن از آنها هم پلیس بودند و مشغول در نیروی انتظامی.

با یکی از آنها که گروهان یگان ویژه بود دوستی که نه یک رابطه مصلحت‌اندیشانه پیدا کرده بودم. قرارداد نانوشته ما این بود که من تحقیق‌های کلاسیک‌اش را می‌نوشتم و او روزهایی که برق شیراز در روزشگاه حافظیه بازی داشت من و رفقایم را از در جایگاه ویژه که مسئول امنیتش با او بود رد می‌کرد. ۸۸ شد و همه مناسبات و حتی دوستی‌ها، متأثر از آن روزها. در اوج شلوغی‌ها آن روزها، دو حرف، گروهان همکلاسی به من گفت که هرگز فراموش نکردم. اولین حرفش پیشنهاد این بود که اگر خواستی می‌توانم در این وضعیت متلاطم اسپری فلفل برایت بیاورم و در آمار نروم. حرف دیگرش درباره یکی دیگر از بچه‌های کلاس بود. پسری تودار که هم‌شهری این گروهان دانشجوی بود و هرگز به زبان و گویش آنها صحبت نمی‌کرد. در حلقه آنها نبود و حتی وقتی آنها با زبان محلی با او سخن می‌گفتند او به زبان فارسی جواب می‌داد. گروهان در آن روزهای سخت و سیاه به من گفت: «چند روز پیش فلائی را در خیابان دیدم، می‌خواستیم تلافی همه این روزهایی که حرص من را در آورده، در بیاورم، به سر بیاورم برو بارش و به بهانه حضورش در اعتراضات حساسی از خجالتش در بیایم که شانس بارش بود یهو غیبش زده». با گروهان برای همیشه قطع رابطه کردم، نه چون می‌خواستیم تصمیم اخلاقی بگیریم، آن را که می‌خواست از خجالتش در بیاید برایم خیلی عزیز بود.

فارغ از وجه شخصی آن مواجهه با یک گروهان که به‌واسطه شغلش قدرت ویژه‌ای نسبت به دیگر افراد جامعه پیدا کرده بود، به این فکر می‌کردم که چطور یک شغل و حرفه برای آدمی می‌تواند چنین قدرتی بی‌حد و مهارت‌شده‌ای پیدا کند؟ وضعیت اضطراری آن روزها و تعطیل شدن قانون کمی اموال مردم می‌کرد که این قدرت ویژه و بدون پاسخگویی به محض تمام شدن وضعیت اضطرار، مهارت‌شده تر خواهد شد. بیست سال بعد دوباره یاد آن قدرت مهارت‌شده افتادم؛ قدرتی که انگار هر روز بیشتر و مسئولیتش کمتر شده است.

سی چهل روز گذشته تلخ‌ترین تصاویر وایرال شده از ایران مربوط به نیروی انتظامی بوده، دخترک نوجوانی برای نداشتن حجاب آنچنان مورد حمله قرار گرفت، پای آن مامور روی گردن کودکی مهاجر سنگینی می‌کرد و مامور به التماس‌ها و عمو عمو گفتن هایش هیچ گوش نمی‌کرد، زنی دیگر انگار به اشتباه تیر خورده است و آخرین خبر هم که آن جوان متهم لاهیجانی و آن تصاویر دلخراش.

همه‌جای دنیا معضل ارتباط‌نوی‌های امنیتی با مردم وجود دارد. بخش عمده این معضل به دلیل ماهیت خشن این شغل و سروکار داشتن مدام با آدم‌های خشن است. گویی الگوی بر خورد پلیس با متهمان خشن در همه دیگر بر خوردها تعمیم پیدا می‌کند. مورد کشور ما ویژه‌تر است. در این سال‌ها، فضای امنیتی و پلیسی بارها تکرار شده است: ۹۶، ۹۸، ۱۴۰۱. تداوم شرایط اضطراری انگار که مناسبات حاکم بر آن شرایط را در همه دیگر شرایط حکمران کرده است و قوانین و وضعیت اضطرار بر همه اوقات غلبه کرده است. وضعیت اضطرار همان وضعیتی است که آن همکلاسی گروهان می‌خواست حرصش را میان شلوغی‌ها خالی کند و برای من اسپری فلفل هدیه بیاورد. وضعیتی که ساختار سیاسی شأن و جایگاه ویژه‌ای برای نیروهای امنیتی/ نظامی قائل می‌شود. به قول آن سخن معروف قدرت بدون پاسخگویی و مسئولیت دست مسیح هم باشد به فساد کشیده می‌شود. تکلیف ما آن‌ها می‌معمولی که روشن است. هیچ فرقی نمی‌کند چه کسی لباس نیروی انتظامی به تن کند، مادامی که ساختار سیاسی روشن نکند در وضعیت اضطرار نیستیم، مادامی که حتی برای وضعیت اضطرار هم دستورالعمل‌ها و قوانین دائمی‌ها نشوند چنین رفتارهایی هر روز بیشتر خواهیم دید. فرستادن هیئت ویژه از سوی دولت به لاهیجان و واکاوی این اتفاق و نتیجه‌مسیبانش حتماً که اتفاقی خوب است اما برای تکرار نشدن چنین رفتارهایی باید ریشه‌ای از همین تهران کرد.

عکس: دوره‌های پیشین جشنواره ایران

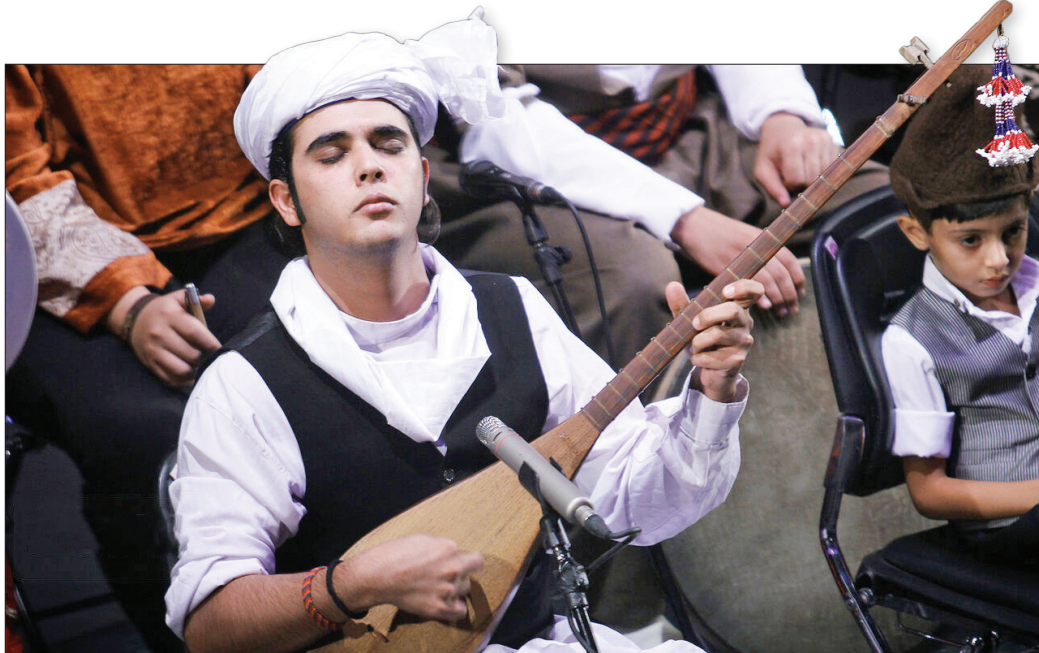
• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کریاسچی  
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی  
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • امید عرب (مدیر آنلاین)  
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)  
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • اناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)  
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری  
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار  
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

۲۴ ساعت  
24 HOURS

۱۶

hammihanmedia@gmail.com  
@Hammihanonline

• تلفن روابط عمومی: ۰۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸  
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن. • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



## یک جشنواره، یک جهان پرشش‌بی پاسخ

در آستانه برگزاری هفدهمین دوره جشنواره ملی موسیقی جوان عدم پاسخگویی متولیان این رویداد بحث برانگیز شده است

موسیقی جوان، مشخص نیست چه کسانی به داوری متقاضیان حضور در بخش موسیقی دستگاهی و کلاسیک غربی برای ورودشان به مرحله نهایی و متقاضیان بخش‌های تک‌مرحله‌ای نواحی، آهنگسازی، پیانوی ایرانی و ویلن ایرانی نشتنه‌اند. اگر چه عدم اعلام اسامی داوران در مرحله نهایی در این مقطع زمانی (پیش از برگزاری آن) برای پیشگیری از پیش آمدن هرگونه شائبه‌های منطقی به نظر می‌رسد و در دوره‌های پیشین نیز رایج بوده است اما مشخص نیست چرا نام داوران در مرحله نخست که برگزار شده و برگزیدگان نیز مشخص شده‌اند، اعلام نمی‌شود. همین عدم شفافیت موجب طرح پرسش‌هایی از این دست می‌شود که آیا برخلاف دوره‌های حضور هومان اسعدی در مقام دبیر، دیگر خبری از «مشارکت گسترده هنرمندان موسیقی کشور» به‌عنوان داور نیست و این مشارکت تنها ادعایی است که در انتهای اخبار مربوط به جشنواره، بنا به عادت تألف دوره‌های حضور هومان اسعدی در مقام دبیر، ذکر می‌شود؟

### چرا فقط داوری دو بخش دوم‌مرحله‌ای است؟

طبق آن چه تا به این جای کار گفته شد، داوری دو بخش موسیقی دستگاهی و کلاسیک غربی به‌صورت دوم‌مرحله‌ای (مرحله اول؛ ارسال اجرای ریزنوار مشخص شده برای هر بخش به‌صورت ضبط ویدئویی از طریق سامانه «ابامک» - مرحله دوم؛ اجرا در برابر داوران از ۲۷ شهریورماه تا سوم مهرماه در تالار رودکی) برگزار می‌شود و داوری بخش‌های موسیقی نواحی، آهنگسازی، پیانوی ایرانی و ویلن ایرانی به‌صورت تک‌مرحله‌ای، دلیل این که چرا تنها دو بخش دوم‌مرحله‌ای است (ارسال ویدئو و حضوری) و چهار بخش دیگر تک‌مرحله‌ای (ارسال ویدئو) سوال بی‌پاسخ بعدی است. اگر بنا به گفته برخی از فعالان این حوزه، دلیل این امر را بتوان کمبود بودجه و عدم امکان دعوت از متقاضیان بخش موسیقی نواحی از گوشه‌گوشه ایران و فراهم آوردن شرایط استقرار آن‌ها در تهران فرض کرد، باز هم باید پرسید آیا بودجه جشنواره ملی موسیقی جوان نسبت به سال‌های پیش کاهش یافته است؟ سال‌هایی که منهای دوره‌های چهاردهم و پانزدهم به‌دلیل شیوع ویروس کرونا، در مرحله دوم داوری همه بخش‌های آن به‌صورت حضوری برگزار می‌شد. این همه در شرایطی است که دست‌کم شنیده‌ها، حاکی از افزایش بودجه نسبت به سال‌های گذشته است و نه کاهش آن. این که بودجه مذکور در کجا و برای چه مواردی هزینه شده است که نتوانسته صرف دعوت از متقاضیان چهار بخش مذکور برای شرکت در مرحله دوم داوری به‌صورت حضوری شود، سوال بی‌پاسخ بعدی است.

### دلیل حذف و اضافات چیست؟

شانزدهمین دوره جشنواره ملی موسیقی جوان، با حذف و اضافاتی همراه بود که هیچ‌گاه توضیحی در مورد آن داده نشد؛ نخست بازگشت «بخش ویژه حفظ کل ردیف» که هومان اسعدی در دوره پانزدهم حذف کرده بود و دوم حذف «بخش آفرینش در تکنوازی در حوزه موسیقی دستگاهی» که اسعدی به جشنواره پانزدهم افزوده بود. با این حساب فراخوان دوره شانزدهم در چهار بخش اصلی دستگاهی، نواحی، کلاسیک و آهنگسازی و «بخش ویژه حفظ کل ردیف» منتشر شد. علاوه بر ادامه این وضعیت در جشنواره هفدهم، اضافاتی دیگر نیز در این دوره رخ داده است: در توضیح دلیل اضافه شدن بخش‌های پیانوی ایرانی و ویلن ایرانی صرفاً به «تقاضاهای مکرر استادان و شرکت‌کنندگان» اشاره شده و علت اضافه شدن ساز ریکورد، گستره نوازندگان و ورود این ساز به سیستم‌های آموزشی عنوان شده است. این در حالی است که با عدم برگزاری نشست خبری توسط متولیان برگزاری جشنواره هفدهم، می‌توان دلیل آن‌ها برای افزودن دو بخش مذکور و ساز ذکر شده را زیر سوال برد بی‌آن که امکان شنیدن توضیحی علمی از سوی آن‌ها برای پرسش‌کنندگان وجود داشته باشد.

### چرا نشست خبری برگزار نمی‌شود؟

همه آن چه در شانزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان رخ داد و حجم بی‌سابقه انتقادات بحق به آن در کنار سوالات بی‌پاسخ در خصوص شیوه برگزاری هفدهمین دوره این جشنواره، بیش از هر چیز لزوم برگزاری نشست خبری با حضور خبرنگاران را یادآوری می‌کند. نشست که شاید بتوان در آن پاسخی برای سوالاتی یافت که ذکر شد و گوشه‌ای از پرده ابهام و سکوت حاکم بر یکی از جشنواره‌هایی که زمانی از جمله مهم‌ترین جشنواره‌های موسیقی ایران بود، اندکی کنار زد.

### چهره

## رخشان درخشان

پوشش رخشان بنی اعتماد و باران کوثری در یک مراسم سینمایی فقط با تشکیل پرونده همراه نشد، بلکه برخی تندروهای بی‌اخلاق بار دیگر این رخداد را بهانه نفرت‌پرکنی، توهین و فحاشی قرار داده‌اند. بی‌آنکه بدانند یا به یاد آورند یا به نفع‌شان نیست که به یاد آورند، اوست که رنج‌های زیر پوست شهر را به تصویر کشیده، از رنج ننه گیلانه و درد‌های مادرانه‌گفته، از زخم‌های جنگ بر پیکر زنان این جامعه؛ غربی نوبر کردانی را در روسری آبی نمایش داده تا غربت زن را روایت کند. خون به دل شدن مادر را در خون بازی فریاد زده و قصه‌ها و غصه‌های مردم را روایت کرده است؛ او بانوی اردیبهشت است و سرمایه هنری و فرهنگی این سرزمین که همچون نگینی درخشان بر تارک سینمای ایران می‌درخشد. باید قدر این سرمایه‌ها را دانست و اگر رفتاری خارج از محدوده‌ها رخ داد، تیغ به رخ چهره‌های تابان فرهنگ و هنر این سرزمین نکشد.



### کتابخانه

## مسیر ۳۰ ساله یک نمایش‌نامه‌نویس

نغمه ثمنی، یکی از پرکارترین نمایش‌نامه‌نویسان ایران است. او نمایش‌نامه‌نویسی را در سال ۱۳۷۰ هم‌زمان با آغاز تحصیل در رشته نمایش در دانشگاه تهران شروع کرد و ضمن تدریس دانشگاهی نمایش‌نامه‌نویسی و تاریخ تئاتر در ایران و خارج از ایران، اکنون نزدیک ۳۰ سال است که بی‌وقفه برای صحنه قلم می‌زند. بسیاری از نمایش‌نامه‌های او در داخل و خارج از ایران اجرا شده‌اند و مخاطبانی را از فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف به خود جلب کرده‌اند. «مکاشفات جادو»، مجموعه نمایش‌نامه‌های منتشرشده و منتشرشده از سال ۱۴۰۰



### مکاشفات جادو

#### (مجموعه سی نمایش‌نامه)

#### نویسنده:

#### نغمه ثمنی

#### انتشارات: نی

است. این مجموعه شامل ۳۰ نمایش‌نامه و مقدمه‌ای در شرح چگونگی نگارش آن‌هاست. مخاطبان این کتاب می‌توانند با مسیر حرکت ۳۰ ساله نمایش‌نامه‌نویس، از اتودهای اولیه گرفته تا نمایش‌نامه‌های مطرح و شناخته‌شده، آشنا شوند و تأثیر برهه‌های فرهنگی و اجتماعی را بر آثار او مشاهده کنند. نخستین بار است که مجموعه آثار یک زن نمایش‌نامه‌نویس ایرانی در این ابعاد منتشر می‌شود.

### تاریخ

## زمین لرزه بوئین زهرا



ساعت ۵۵ : ۲۲ دقیقه  
۱۰ شهریورماه ۱۳۴۱،  
زمین‌لرزه‌ای با بزرگی  
۷/۲ ریشتر و در عمق ۱۰  
کیلومتری زمین، در منطقه  
پرجمعیت جنوب قزوین رخ  
داد. این زمین‌لرزه باعث

ویرانی کامل شهر بوئین زهرا و تمام روستاهای اطرافش شد و در اثر آن، بیش از ۱۲ هزار نفر کشته شدند و حدود ۲۸۰۰ نفر آسیب دیدند. شدت حادثه به‌گونه‌ای بود که آسیب‌هایی در شهر قزوین و تا مناطق جنوبی شهر تهران نیز به‌بار آورد. بوئین‌زهرا همواره منطقه‌ای لرزه‌خیز به‌شمار آمده است. پس از وقوع زلزله، غلامرضا تختی، صندوق‌به‌گردن از پارک ساعی در خیابان پهلوی تا تالار کیهان در خیابان فردوسی تهران را پیاده پیمود و با بلندگو شخصاً از مردم شهر می‌خواست تا به هموطنان زلزله‌زده‌شان هر چه در توان دارند، کمک کنند. زنان، گوشواره و گردنبند و انگشتر و مردان، پول‌های اهدایی خود را به صندوق اویزان از گردن تختی می‌انداختند. واکنش‌ها به این عمل، چنان باورکردنی بود که بلافاصله موج بزرگی از نیکوکاران به راه افتادند و ده‌ها کامیون حامل آذوقه و وسایل موردنیاز به او سپرده شد.